

بازشناسایی حضور مشتری و خصوصیات منتسب به آن در نگارگری ایرانی اسلامی



حمید کریمی پور
استادیار گروه تاریخ
دانشگاه تهران



سیده شبنم شمس‌الدین
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه تهران

چکیده

اعتقادات نجومی بخش مهمی از اعتقادات انسان کهن را تشکیل می‌دهد. ظهور این اعتقادات به تناسب زمان و مکان، رویه‌ای متفاوت به خود گرفته‌است. این ذخایر فرهنگی در ادوار گوناگون مستقیم و غیرمستقیم در بسترهای مختلف فرهنگ ایرانی، از جمله نگارگری و ادبیات، تجلی یافته‌اند. این پژوهش بر آن است تا با توجه به تکرار خصوصیت منحصر به فرد ظاهری برخی از نگاره‌ها - آستین‌های بسیار بلند در بافت‌های خاص - دلیل ظهور این ساختارهای مکرر را به عنوان مسأله تحقیق، مورد بررسی قرار دهد. تحقیق حاضر با روش تاریخی - تطبیقی و تطبیق داده‌های نجومی ابوریحان بیرونی، نگارگری‌های نجومی و غیرنجومی، و اشعار منتسب به آن‌ها در ادبیات ایران نشان داد که هیأت‌های بلند آستین و با ردای روشن و متفکر که گاه در کنار رود به آرامش و یا در زیر درختی پر از شکوفه همراه با ملازمانشان در حال تفکر بی‌کلام و یا در حال سخنوری تصویر شده‌اند، در واقع همان تجسم زمینی خصوصیات منتسب به مشتری هستند که سخن از اعتقاد نجومی قدیمی ایرانیان مبنی بر حکومت خدایان عالم اولی - سیارات - بر عالم سفلی - زمین و هرآنچه در آن است - می‌گویند.

کلیدواژگان

سیاره مشتری، شعر فارسی، فرهنگ ایرانی، مطالعه تطبیقی، نگارگری ایرانی اسلامی.

Recognizing the Appearance of Jupiter and Its Related Characteristics in Irano-Islamic Painting

Hamid Karamipour

Assistant Professor
University of Tehran

Seyedeh Shabnam Shamsedin

M. A. Graduate, Iranology
University of Tehran

Abstract

As one of the most important parts of the ancient world, the Iranian culture has valuable astronomical data, specifically Jupiter-oriented ideas. The appearance of these beliefs has been different due to time and place; these resources have shown themselves in different cultural Iranian contexts, as Persian paintings and literature, directly and indirectly in different times. According to the repetitious characteristics in some paintings, such as long sleeves in specific contexts, this research has tried to find out the reason behind these specialties, and brought up this matter as the main concern. The method which has been used according to the subject of the research is comparative historical method; this method has enabled the researchers to compare the historical, pictorial, astronomical and literary data in the Persian cultural heritage, and come to this conclusion that figures with bright long sleeves who are busy with thinking alongside a river accompanied by their servants, either in silence or while speaking, are actually the terrestrial visualization of the Jupiter-oriented ideas which relate to the astronomical beliefs of the ancient Iranians, the belief about the rulership of the sky and whatever in it on the earthy creatures.

Keywords

Jupiter, comparative study, Irano-Islamic painting, Persian poetry, Iranian culture.

۱) مقدمه و بیان مسأله

فرهنگ ایرانی به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ هندوایرانی و در مقیاس بزرگتر هندواروپایی و به‌طور کلی فرهنگ‌های باستان اندوخته‌های ارزشمندی را که سخن از اعتقادات کهن می‌گویند در خود جای داده؛ ظهور این اعتقادات به تناسب زمان و مکان، رویه‌ای متفاوت پیش گرفته‌است. این داشته‌ها و ذخایر فرهنگی گاه به‌صورت مستقیم و گاه به‌صورت غیرمستقیم در بسترهای مختلف فرهنگ ایرانی از جمله نگارگری و ادبیات، خود را در ادوار گوناگون به ظهور رسانده‌اند. با نگاهی دقیق به نگاره‌های ایرانی با خصوصیات فرمی روبرو می‌شویم که اساساً محل ابهام هستند؛ حتی با اینکه شاید این خصوصیات در نگاه اول در میان خیل عظیم جزئیات، مورد توجه قرار نگیرند. خصوصیات همچون ترسیم ردهایی با آستین‌های آنچنان بلند برای برخی از فیگورهای نقش‌شده که دستانشان را کامل پوشانیده، از این نوعند. در برخی اشعار فارسی نیز وجود برخی اصطلاحات نجومی و خاصه اسامی سیاراتی چون مشتری در کنار خصوصیات چون سعد بودن، وزارت و... به‌صورت محسوس و غیرمحسوس به‌چشم می‌خورد که گاه تلمیح‌وار یا بر بنیان دیگر صناعات ادبی مفهوم مورد نظر را مستقیم یا غیرمستقیم منتقل کرده‌اند. به‌طور قطع نگارگر یا ادیب ایرانی به‌صورت خودآگاه یا نیمه‌خودآگاه معتقد به نکاتی بوده که به‌هنگام ترسیم و نگارش اثرش به منصفه ظهور رسیده‌اند. حلول چنین خصوصیات نمی‌تواند برحسب تصادف بوده‌باشد که اگر چنین بود، چنین ساختارهایی نباید طی سالیان و قرون متمادی با شدت و ضعف سیر تکرار در پیش گرفته و هم اکنون نیز برای مخاطبی از فرهنگ ایرانی قابل درک و فهم باشند. بررسی این ساختارهای تکرارشونده در محل‌های مختلف ظهورشان چون نگارگری و شعر، پرده از نکات قابل تأملی برمی‌دارد که هرچه بیشتر پایه تحلیل‌های سطحی تنها بر اساس ظاهر را سست کرده، بر استقامت تحلیل‌های عمیق‌تر به‌جهت رسیدن به ساختارهای تکرارشونده اعتقادی فرهنگ ایرانی می‌افزاید. در این راستا، مطالعه تطبیقی اشعار و نگاره‌های ایرانی - اسلامی بر اساس اطلاعات و معتقدات نجومی رسیده از گذشتگانمان چون ابوریحان بیرونی، ابومعشر بلخی و... هرچه بیشتر دلایل وجودی این ساختارهای تکرارشونده اعتقادی را بر ما روشن می‌سازد. بر این اساس، تحقیق حاضر بر مبنای بررسی حضور سیاره مشتری به‌عنوان بخشی از دانش نجومی فرهنگ ایرانی و خصوصیات مذکور منتسب به آن در منابع نجومی قدیم در زمینه‌های نگارگری و اشعار فارسی، مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد. البته ذکر این نکته لازم می‌نماید که به‌دلیل تعداد بالای نگاره‌ها و اشعار مرتبط و محدود بودن صفحات مقاله، تنها برخی از آن‌ها جهت هرچه بیشتر روشن شدن موضوع در متن مقاله ذکر می‌شوند.

۲) پیشینه تحقیق و مبانی نظری

از نجوم پیش از اسلام ایران، منابع نوشتاری زیادی به زبان فارسی در دسترس نیست. مارتین ورماسرن در این زمینه می‌نویسد:

«از نجوم پیش از اسلام به‌جز در مواردی که کتابی چون بندهشن، فصلی را به این موضوع اختصاص داده‌است و در برخی از بخش‌های متأخرتر اوستا به‌صورت پراکنده اطلاعات زیادی در دست نیست؛ البته بر اساس همین

داده‌هاست که می‌دانیم امشاسپندان هفتگانه که در حکم دستیاران اورمزد هستند، همانند هفت سیاره قلمداد شده‌اند» (ورمازن، ۱۸۸)

اما اشخاصی چون هارتنر^۲، ایوانز^۳، وان دروردن^۴، پینگری^۵، نالینو^۶، پاناینو^۷ و... از جمله محققانی هستند که تألیفات مهمی به زبان انگلیسی درباره نجوم ایران باستان با توجه به همین منابع محدود داشته‌اند؛ از میان نویسندگان و محققان ایرانی نیز می‌توان به محققانی چون قاسملو، غیاث‌آبادی، ذکاء، زمانی قمشه‌ای و... اشاره کرد. نکته قابل توجه درباره نجوم پس از اسلام در ایران آن است که خوشبختانه اطلاعات قابل توجهی توسط بزرگانی چون فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیرالدین طوسی، شهاب‌الدین سهروردی، ابن عربی و باقی بزرگان و حکیمان این حوزه به رشته تحریر درآمده‌است. بیشتر تحقیقات انجام‌شده در زمینه نجوم، حول محور کلیات آن یا در زمینه باستان‌شناسی بوده‌اند؛ لذا نگارنده با توجه به خالی بودن جای تحقیق‌های تطبیقی نجوم و نگارگری، پیشتر به نگارش پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *آیکون‌نگاری سیاره زحل در نگارگری ایرانی* پرداخت و تحقیق حاضر در ادامه بحث پایان‌نامه گذشته، این بار با محوریت سیاره مشتری انجام شده‌است.

تحقیق حاضر از لحاظ روش‌شناختی، یک تحقیق تاریخی - تطبیقی است. احمد محمدپور تحقیق تاریخی - تطبیقی را این‌گونه تعریف می‌کند:

«هدف نهایی تحقیق‌های تاریخی - تطبیقی توضیح این نکته است که ملت‌ها چرا از خصوصیت‌های معینی برخوردارند. اصل هستی‌شناسی مهم در شیوه پاسخگویی به این پرسش در توجه به ترکیب، همنشینی و اتصال مجموعه عواملی که پیامد یا پیامدهای خاصی دارند، انعکاس می‌یابد. ایده معرفت‌شناختی در این‌گونه تحقیق‌ها آن است که آن ترکیب‌های تبیین‌کننده با جستجوی تفاوت‌ها و تشابه‌های موردها کشف شوند.» (محمدپور، ۳۶۹)

بر اساس تعریف محمدپور و با توجه به هدف تحقیق حاضر - نمایان کردن تکرار یک سنت و ساختار مشترک فرهنگی و اعتقادی که در نگارگری به‌عنوان یکی از محل‌های تجلی خصوصیات فرهنگی و اعتقادات نجومی خود را به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نمایان می‌کند - می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که روش مذکور از بهترین روش‌های ممکن جهت رسیدن به نتیجه مطلوب است.

۳) بحث

۳-۱) سیاره مشتری در کتاب نجومی *مطالع السعادة و ینابع السیادة*^۸

همان‌طور که در دو نگاره نجومی زیر می‌بینیم، سیاره مشتری به‌هیأت یک مرد در مرکز تصویر، نقاشی شده‌است. از لحاظ ظاهری، او عمامه‌ای بر سر و ردایی با آستین‌های بلند که حتی انگشتان دستان او را پوشیده، به تن دارد. ردا و عمامه او به رنگهای روشنی ترسیم شده‌اند. در تصویر ۱، مشتری با دستانی باز در

2. Hartner
 5. Pingree

3. Evans
 6. Nalino

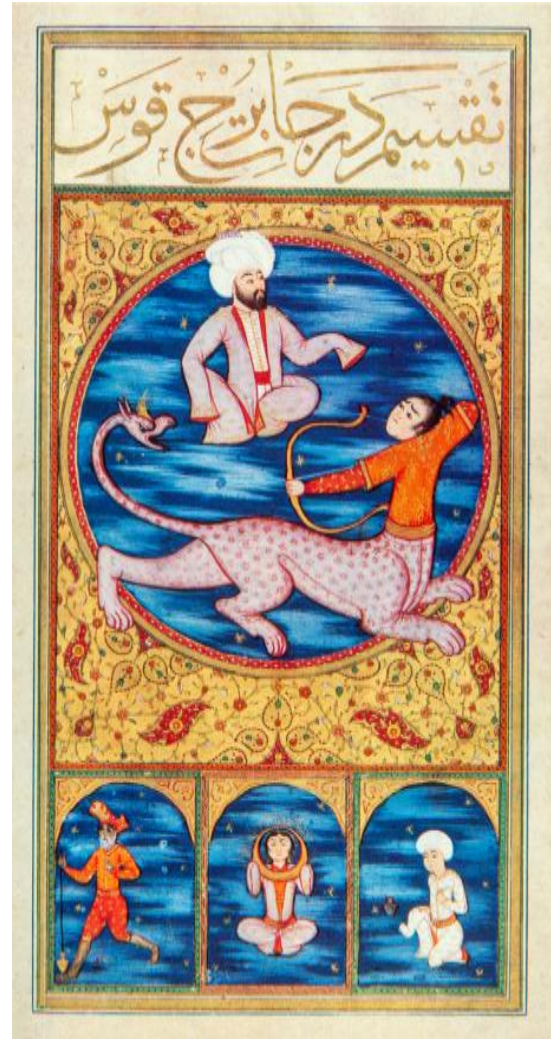
4. Van der Waerden
 7. Panaino

۸) نوشته محمد بن امیر حسن سودی (۳۳۹ق) در مطالعه بروج دوازده‌گانه و طلسمات.

حال صحبت و در تصویر ۲، مشتری با دستانی متصل به هم در حال تفکر است. در بالاترین قسمت تصویر ۱ وضعیت مشتری در برج قوس نوشته و در قسمت میانی، طرحی از یک انسان - حیوان کماندار ترسیم شده؛ و در تصویر ۲ وضعیت مشتری در برج حوت نگاشته و در میانه آن نقش یک ماهی رسم شده است. در قسمت پایین هر دو تصویر، به ترتیب از چپ به راست، سه خانه را می بینیم که آن ها نیز هر کدام سیارگان و ستارگانی به هیأت انسان درآمده هستند.



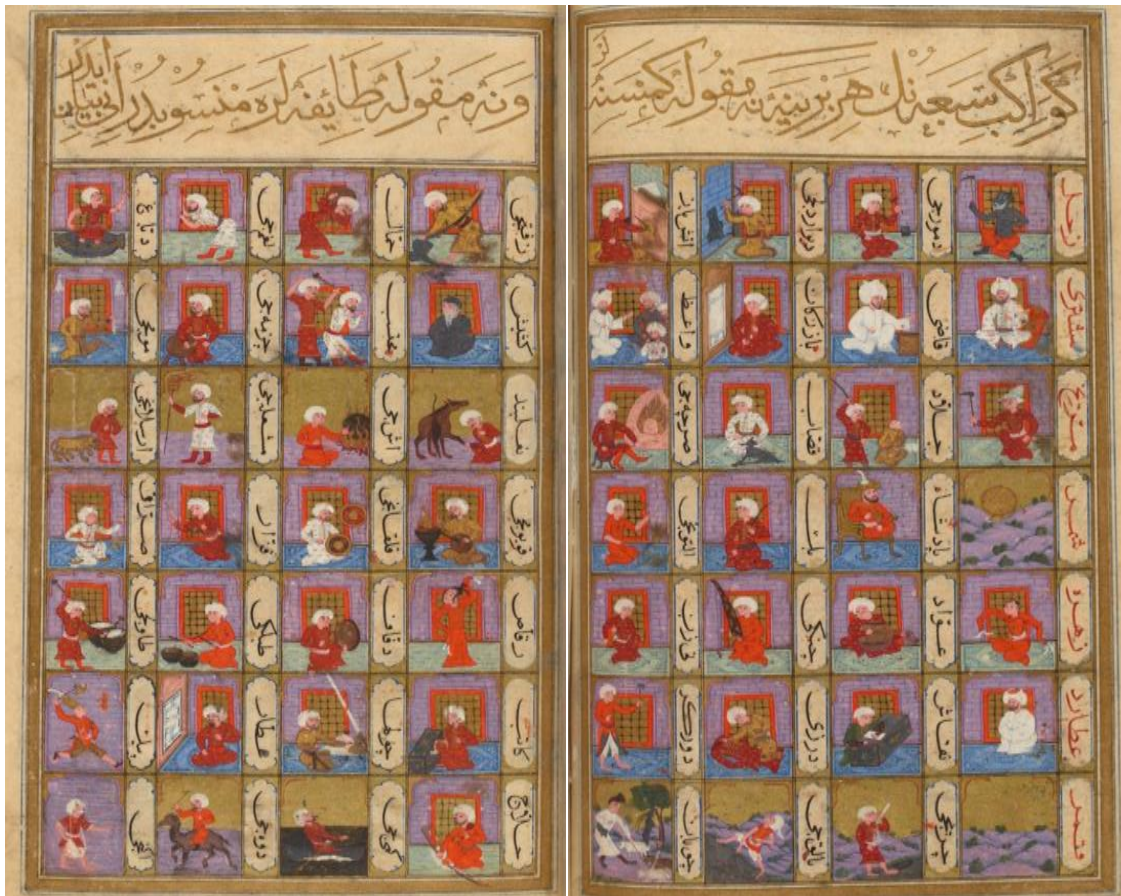
تصویر ۲) مشتری در برج حوت، کتاب مطالع السعادة
(مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، پاریس)



تصویر ۱) مشتری در برج قوس، کتاب مطالع السعادة
(مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، پاریس)

۲-۳) مشاغل منتسب به مشتری در کتاب مطالع السعادة و ینابع السیادة

همان طور که در تصویر دو صفحه از کتاب مطالع السعادة و ینابع السیادة (تصویر ۳) دیده می شود، شغلها و منصبهای خاصی برای مشتری در نظر گرفته شده است. این شغلها عبارتند از: قاضی، بازرگان، واعظ، کشیش، محتسب، چزمه جی و مومجی (سودی، ۷۶-۷۷).



تصویر ۳) شغل‌ها و مناصب منتسب به مشتری، کتاب *مطالع السعادة* (مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه، پاریس)

۳-۳) سیاره مشتری در کتاب *نجومی البهان*^۹

در تصویر ۴، مشتری در مرکز تصویر با ردایی به رنگ سبز که آستین‌های بسیار بلندی دارد تا جایی که انگشتان دو دست او را کامل پوشانیده، با دستانی باز و عمامه‌ای به رنگ روشن نقش شده است. با توجه به نوشته قسمت فوقانی تصویر و نقش انسان - حیوان کماندار که در مجاورت مشتری طرح شده، این تصویر نشانگر رابطه مشتری و برج قوس است.

تصویر ۴)

رابطه مشتری و برج قوس

(مأخذ: کتاب *البهان*، ص ۴۸)



۹) *البهان* یا *فالنامه* حیرت یا عجایب نوشته عبدالحسن اصفهانی در قرن ۱۴-۱۵م در باب تنجیم و طلسمات و سیارات و بروج دوازده گانه.



در تصویر ۵، مشتری در مرکز تصویر با ردایی به رنگ زرد آخرایبی که آستین‌های بسیار بلندی دارد آن‌طور که کل انگشتان او را پوشانیده، و عمامه‌ای به رنگ روشن، نشسته بر یک ماهی، با داستانی متصل به هم قرار دارد. با توجه به نوشته قسمت بالای تصویر و نقش ماهی زیر نقش مشتری، این تصویر ارتباط سیاره مشتری و برج حوت را نشان می‌دهد. در قسمتهای پایین دو تصویر، سه خانه می‌بینیم که هر کدام نشانگر یکی از سیارات یا ستارگان هستند.

تصویر ۵)

رابطه مشتری و برج حوت

(مأخذ: کتاب البهان، ص ۵۸)

۳-۴) مشاغل منتسب به مشتری در کتاب البهان



در این نگاره، شغل‌هایی منتسب به هر کدام از سیارات در نظر گرفته شده که مشتری نیز یکی از آنهاست. شغل‌های منتسب به مشتری عبارتند از: قاضی، تاجر، واعظ، خطاف و شمّاس^{۱۰}.

تصویر ۶)

شغل‌ها و مناصب منتسب به مشتری

(مأخذ: کتاب البهان، ص ۶۴-۶۵)

۳-۵) سیاره مشتری در کتاب نجومی الموالید^{۱۱}

در نگاره شماره ۷، با توجه به عبارت نوشته‌شده در بالای تصویر، سیاره مشتری در هیأت مردی با ردای زرد با آخرایبی رنگ و عمامه‌ای به رنگ روشن با دو دست باز در کنار برج قوس که به صورت مخلوقی نیمه‌انسان -

۱۰) کارگزار کلیسا.

۱۱) نوشته ابومعشر بلخی (۲۶۴ق) در باب تنجیم و سحر و سیارات و بروج ۱۲ گانه؛ در این کتاب بحثی از مشاغل منتسب به سیارات نشده است.

۱۲) ماه در متون نجومی به شکل زنی با هاله‌ای آبی‌رنگ تصویر شده است.

نیمه حیوان در حال تیراندازی است، تصویر شده است. در سوی دیگر، قوس و فیگور ماه^{۱۳} را می بینیم. در قسمت پایین تصویر، پنج سیاره در خانه های مختلفی با خصوصیات مختص به خود، به تصویر کشیده شده اند.



تصویر (۸)

رابطه مشتری و برج حوت
(مأخذ: کتاب الموالید، ص ۸۰)



تصویر (۷)

رابطه مشتری و برج قوس
(مأخذ: کتاب الموالید، ص ۶۲)

در نگاره شماره ۸، دو تصویر از مشتری ایستاده در کنار درختی با شکوفه های صورتی و گل دیده می شود. در یک حالت، مشتری با ردای صورتی رنگ و عمامه سفید، آستین های بسیار بلندی دارد که انگشتانش را کامل پوشانیده؛ و در حالت دیگر، با ردایی آخراپی رنگ نشسته در حالی که دو ماهی در دو دست خود دارد است. این تصویر نیز شامل نوشته ای در بالای تصویر است که نشان می دهد دو تصویر مشتری هستند و قسمت پایین نگاره شامل به تصویر کشیدن پنج سیاره به هیأت انسانی است.

۶-۳) نگاره های مورد تحقیق پژوهش حاضر



در نگاره های فوق، خصوصیات ظاهری مشترکی به چشم می خورد که در حال تکرار شدن هستند؛ خصوصیات

(۱۳) ماه در متون نجومی به شکل زنی با هاله ای آبی رنگ تصویر شده است.

چون آستین بسیار بلند، وضعیت نشسته یک فیگور اصلی، عمامه یا تاج بر سر، مرد بودن، درختان شکوفه‌دار، گل‌ها، آرامش، حکمت، اغلب بودن شخصی با ردای قرمز و شمشیر در میان در کنار فیگور اصلی، رنگ ردا یا عمامه روشن و رنگ پس‌زمینه روشن و شاد. این‌ها همه به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم در نگاره‌های نجومی مشتری نیز به چشم می‌خورند؛ لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا وجود این عناصر تکرارشونده در متون نجومی و غیرنجومی از روی تصادف است یا این‌ها سخن از سنت مشترکی می‌گویند که با گذشت سالیان، شاید غیرمستقیم‌تر شده‌باشد، اما حذف نشده‌است. به‌منظور پاسخ به این پرسش، نیاز است که تا حدی از کلیات نجوم و باورهای مرتبط با سیاره مشتری، بیشتر بدانیم.

۴) کلیاتی در باب تنجیم و خصوصیات منتسب به مشتری

آسمان و آنچه در آن می‌گذرد، در ادوار مختلف تاریخی همواره مورد توجه انسان آن زمان بوده‌است. در نظر بسیاری، آسمان محل زندگی و مأمّن خدایانی بوده که بر زمین و زمینیان حکم می‌رانده و تسلطی بی‌چون‌وچرا بر زندگی موجودات زمینی داشته‌اند. علوم مختلف در طول زمان روند متغیری در جهت تکامل داشته‌اند و علم نجوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. *دانشنامه بریتانیکا*^{۱۴} مدخل «تنجیم»^{۱۵}، نجوم و تنجیم را چنین معرفی می‌کند:

«نجوم علم پژوهش درباره تمامی رویدادهای بیرونی سیاره زمین است و تنجیم پیشگویی آنچه که در زندگی بشری می‌گذرد بر اساس حرکت سیارات و ماه و خورشید و ثوابت. معتقدان به حوزه تنجیم اعتقادی راسخ به نقش ستارگان و سیارات بر زندگانشان و آنچه که در زمین می‌گذرد، داشتند و بر این پایه، پیشگویی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود.» (britanica, "astrology")

جان ب. ناس^{۱۶}، نویسنده کتاب *تاریخ جامع ادیان* نیز «نجوم» و «تنجیم» را این‌چنین تعریف می‌کند:

«علم نجوم همان علم‌الهیات، علم هیأت‌الافلاک، علم هیأت عالم، علم‌الافلاک و علم صناعت نجوم است و امروز ما اصطلاح اخترشناسی را هم برای آن به‌کار می‌بریم. [...] اما تنجیم همان اخترگویی یا نجوم، احکامی است که می‌گفتند ستاره‌ها در سرنوشت زمین اثر دارند، و ما می‌خواهیم این اثر را کشف کنیم. علم احکام نجوم را به تنجیم و علم‌النجمه نیز می‌خواندند و امروزه از اصطلاح اخترگویی برای آن استفاده می‌شود؛ در یک تعریف کلی از احکام نجوم می‌توان گفت: هر آنچه که در عالم زیر فلک قمر رخ می‌دهد ارتباط مستقیمی با اجرام آسمانی و حرکت آن‌ها دارد.» (ناس، ۲۴)

این تعاریف تنجیم گویای همان تأثیر عالم کبیر (عالم ورای زمین - مأمّن سیاراتی چون عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل؛ و ستارگانی چون ماه و خورشید) بر عالم صغیر (زمین و زمینیان) است. با توجه به‌نکات مذکور است که شاید بتوان دست به‌آسمان بردن و رو به‌سوی آسمان کردن ایرانیان به‌هنگام دعا را منتج از اعتقادی کهن دانست که تنجیم متمرکز بر آن است. در تحقیق حاضر حوزه تنجیم بیشتر مدنظر محقق است چرا که حوزه زمان مورد مطالعه به گذشته‌هایی دورتر از سیطره نجوم مدرن توجه دارد؛ گذشته‌هایی که انسان زمانه معتقد به اثرپذیری مستقیم از خدایان آسمان‌نشین است و زندگی خود را معلول خواست آن‌ها می‌داند.

14. *Encyclopedia Britannica*

15. astrology

16. John Boyer Noss

درباب تحقیقات و نظریات نجومی ایران باستان، باید به این نکته اشاره داشت که محققان حوزه نجوم ایران باستان با توجه به منابع محدود موجود، در طی سالیان گذشته اطلاعات مفیدی به دست آورده و جمع‌آوری کرده‌اند. هارتنر در این زمینه می‌نویسد:

«نشان‌های نجومی زیادی را می‌توان بر سفالینه‌ها و ابزارهای سنگی به دست آمده از تپه‌های تاریخی ایران همچون تپه گیان نهند، تپه حصار دامغان و... مشاهده کرد.» (Hartner, 730)

مهرداد بهار در ترجمه یشت‌ها به این نکته اشاره دارد که:

«در اوستا و به خصوص در یشت‌ها، اطلاعاتی آمده‌است که نمایانگر آشنایی ستاره‌شناسان آریایی با ستارگان و طلوع و غروب آن‌ها بوده‌است.» (رک یشت‌ها، ۳۲۷)

ورمازن نیز درباره نجوم دوره هخامنشی به این نکته اشاره دارد که:

«چون شاهنشاهی هخامنشی گسترش یافت، موبدان با طبقات روحانی سایر ملل و به خصوص کلدانیان مربوط شدند. [...] همین مغان یونانی‌مآب آسیای صغیر بودند که آیین پر رمز و راز مهرپرستی را خلق کردند.» (ورمازن، ۲۴)

که نشان از دانش بسیار بالای مغان دوره هخامنشی دارد.

در همین زمینه، ایوانز نیز می‌نویسد:

«به احتمال قوی، همین مغان بوده‌اند که دانش ستاره‌شناسی یا نجوم آریایی را به منطقه بابل انتقال دادند و بدین‌سان شد که این دانش میان بابلیان و ایرانیان پیوند خورد و دوران تکامل خود را پیش گرفت؛ در همین دوره است که تقسیم‌بندی ۱۲ برجی ۳۰ درجه‌ای منطقه البروج در بابل انجام می‌گیرد.» (Evans, 15)

از دیگر همکاری‌های نجومی بابلیان و ایرانیان، می‌توان به تدوین نظریه حرکت مشتری اشاره کرد که به گفته وان‌دروردن:

«در زمان کمبوجیه (۵۳۰ پ.م)، رصد دقیق سیارات و ماه در بابل اتفاق می‌افتاد. در همین زمان بود که رصد سیاره مشتری آغاز شده بود و تا زمان حکومت داریوش بزرگ نیز ادامه داشت و حاصل آن تدوین نظریه حرکت سیاره مشتری بود.» (وان‌دروردن، ۲۸۷)

پینگری به نقل از کتاب *فیه احکام قرانات* نوشته جاماسب حکیم از نظریه قران زحل و مشتری می‌گوید:

«قران زحل و مشتری - که بر اساس نظریه قران زحل و مشتری ساسانیان شکل گرفته‌است - در برج حمل که هر ۱۰۰۰ سال اتفاق می‌افتد، نشانگر ظهور پیغامبران است. تغییر قران از هر تثلیث به تثلیث دیگر که هر ۲۴۰ یا ۲۶۰ سال اتفاق می‌افتد، نشانگر تغییر در سلسله‌های پادشاهی است؛ و قران‌های تکی که هر ۲۰ سال اتفاق می‌افتد، نشانگر اتفاقات تاریخی به مراتب کوتاهتری است. سیارات در این متن، مانند تاس‌های هندی با چندین دست توصیف شده‌اند و هر کدام نمایانگر خدایی هستند.» (Pingree, 42)

آن‌چنان‌که از داده‌های اندیشمندی چون ابوریحان بیرونی برمی‌آید، دانش نجوم تا زمان سیطره کلی تازیان بر ایران و نیز پس از آن، نقش مهمی در بین علوم ایرانی اسلامی ایفا می‌کرده و ارتباطی تنگاتنگ با اعتقادات و

زندگی روزمره مردم داشته‌است. بیرونی در کتاب *التفهیم* دربارهٔ سیارهٔ مشتری و نوع دلالت‌هایش بر عالم صغیر چنین می‌نویسد:

«طبع مشتری به حالت اعتدال، گرم و تر است. مشتری سعد بزرگ است. از نظر جنسیت، دلالت بر نری دارد. مابین حالات روز و شبی روز است. از میان بوها و طمع‌ها، بر شیرینی و ترشی و خوشی دلالت دارد. از میان رنگ‌ها، سپیدی آمیخته به زردی یا گندم‌گونی و روشنایی و تابندگی منتج از اوست. میانه‌ترین چیزها و معتدلترین و تمامترین و خوبترین و خوشترین و آسانترین‌ها از وجود مشتری است. از بین حالات ظاهری، به سادگی و معتدلی و سطر قوامی اشاره دارد. از میان روزها، پنج‌شنبه روز اوست. بر اقلیم دوم و زمین‌های نرم و خانه‌های آبادان و جای‌های شریفان و مزگت‌ها و منبرها و کنشت و کلیسا و علم و مصحف و راه‌های عبادت و خانه‌های معلمان و جای ارزیزگران دلالت دارد. سرزمین بابل و پارس و خراسان و ترک و بربر که با فریقیه‌اند تا به مغرب، همه تحت سیطرهٔ مشتری هستند. معادن توتیا و گوگرد و زرنیخ و هر سنگ سپید و زردی و هر سنگ گاومانند و ارزیز و قلع و برنج نیک و الماس و هر گوهر پیرایه‌ای برای مردان تحت قدرت مشتری هستند. از بین میوه‌ها، انار و سیب و گندم و جو و گرنج و ذرت و نخود و بادام و کنجد و از بین درختان هر درختی که میوهٔ شیرین دارد و تنک‌پوست است چون زردآلو و انجیر و شفتالو و سیاه‌آلو و از بین گیاهان، به گلها و شکوفه‌ها و هر نباتی و هر چیزی خوشبو و ناپلید و هر چه از نباتات که سبک باشد و پیچیده و بر داروها به هر آنچه که گرمی و تریش معتدل است و سودمند، همگی تحت دلالت مشتری هستند. [...] از میان حیوان‌ها، بر چارپایان مانند گوسفند و گاو و اشتهر و هر چه منقش باشد و خوب‌رنگ و خوش‌گوشت و هر مرغی که راست‌کلب است و دانه‌خوار و نه سیاه و کبوتر و دراج و طاووس و خروس و ماکیان و هدهد و چکاوک همگی منتسب به مشتری هستند. هوا و خون و شریان‌ها و نطفه و مغز استخوان و دل و گوش چپ؛ و از میان حواس، به شنیدن؛ و در میان اندام‌ها، به رودگان و گلو و از میان دوران زندگی، به کهولت؛ و بر نسبه‌ها به فرزندان و فرزندان فرزندان و خوب‌رویی و سر بزرگ و خرد چشم و گوش و پیشانی و گربه‌چشمی و خوب‌بینی و لب کم‌گوشت و موی کشیدهٔ اندکی به‌سرخی‌زننده و دراز انگشتی و فراخ‌گامی نیز از مشتری دانسته شده‌اند.» (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۶۷-۳۸۱)

«دلالت مشتری بر خلق و خوی مردمان نیکوخوا، الهام‌داده، بخرد، بردبار، بزرگ‌همت، پارسا، پرهیزگار، داد‌ده، راستگوی، دانا، سخی، آزاد دل، راست‌دوستی، فخرکننده، دوستدار ریاست، وفادار، با امانت، ریاست‌گزار، بدی را دشمن‌دار، بر شهرها حریص و بر عمارت کردن و بر بنای‌های فاخر برآوردن، متحمل و پرهیزگار؛ در بین حالات و کردارها بر یاری دادن مردمان را و میان ایشان صلح و صلاح جستن و صدقه به ایشان پراکندن و شادی پیدا کردن بر هر که نزدیک او آند و تازه‌رویی و دین سخت داشتن و امر معروف کردن و ز منکر دست باز داشتن و راستی خواب و بسیاری خنده و مزاح و زفان فصیح و حریصی بر مال و مستغل و حلیمی و گاه‌گاه از پس گرانی سبکساری کردن و خویشان به خطر افکندن؛ و از میان گروه‌های مردم، بر ملکان و وزیران و قاضیان و دانشمندان و زاهدان و بازرگانان و توانگران و آنک از وی شکر کنند و او را بستایند؛ بر کیش‌ها بر ترسایی و سپید پوشیدن؛ و از آن صورت‌ها که ستارگان را بدو نگارند جوانی به دست راستش شمشیر کشیده و به چپ، کمان و مهره‌های تسبیح و بر اسب برنشسته؛ و دیگر صورتش مردی بر کرسی سطر و بر وی جامه‌های

رنگارنگ و به دست چپ مهره‌ها؛ از میان پیشه‌ها، بر علم‌های پاکیزه و ولایت‌های خوب و عبادت و نیکوی کردن و خواب گزاردن و زرگری و فروختن زر و سیم شکسته و لباس سپید و میوه‌ها و انگور و نیشکر.» (همان، ۳۸۳-۳۹۲)

«قوس و حوت از میان بروج دوازده‌گانه، هر دو خانه‌های مشتری هستند و وبال مشتری در سنبله و جوزا اتفاق می‌افتد.» (همان، ۳۹۶-۳۹۷)

«دوستان مشتری مریخ و شمس و قمر؛ و دشمنان مشتری زهره و عطارد هستند و زحل میانجی است.» (همان، ۴۰۲)

۱-۴) تطبیق نگاره‌های ایرانی اسلامی متون غیرنجومی و نگاره‌های نقش‌شده مشتری در کتب نجومی *مطلع السعادة، البهان و الموالد* بر پایه داده‌های بیرونی در کتاب *التفهیم*



۱-۴-۱) مرد، ردای آستین‌بلند، محل عبادت (مسجد)، ردا یا عمامه‌ای به‌رنگ روشن، آرامش و منبر

تصویر ۹)
نگاره‌ای از بوستان سعدی: «گدا بر در مسجد» ۸۹۳ ق (مأخذ: پاکباز، ۸۳)

با توجه به نام نگاره فوق (تصویر ۹) که «گدا بر در مسجد» است و حضور شخصیت بلندآستین این نگاره در *مسجد* و ارجاع به یکی از خصوصیات گردآوری‌شده توسط بیرونی در باب مرتبط بودن محل عبادت با سیاره مشتری و تطبیق نگاره مذکور با سه‌نگاری نجومی مشتری، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بلندآستینی مشتری و فرد درون نگاره و حضور او در مسجد نشان از تکرار یک سنت و ساختار اعتقادی دارد که در لایه‌های خودآگاه و نیمه‌خودآگاه فرهنگ ایرانی نیز خود را حفظ کرده‌است؛ در واقع فرد بلندآستین حاضر در مسجد نمودی از مشتری و اعتقاد به تأثیر مستقیم عالم اولی بر عالم سفلی است.



۴-۱-۲)

مرد خوبرو، ردای
آستین بلند، زمین
نرم، ردا یا عمامه
به رنگ روشن و
آرامش

تصویر (۱۰)
نگاره‌ای از
خمسۀ نظامی:
«سوگواری در
مرگ شوهر لیلی»
۸۹۹ ق
(مأخذ: پاکباز، ۸۵)

بر طبق داده‌های بیرونی از خصوصیات منتسب به مشتری؛ مرد نشسته بر زمین نرم یا منبر و...، فرد عابدی که مردم را آرام می‌کند، اعتدال در رفتار و ردا یا عمامه رنگ روشن بر تن داشتن است. همان‌طور که می‌بینیم، مردان بلندآستین تصویر تنها افرادی هستند که بر زیرانداز یا فرش، آسوده نشسته‌اند؛ نشانی از زاری و شیون در آن‌ها نیست و رنگ ردا یا عمامه آن‌ها روشن است؛ همانا این خصوصیات نشان‌دهنده خصوصیات نرم زمینی، اعتدال، مرد بودن و دلالت بر رنگ‌های روشن سیاره مشتری است.



۴-۱-۳) بهشت، مرد
خوبرو، ردا یا عمامه
به رنگ روشن، عصا،
آرامش، صحبت، پرنده،
رنگ زرد آخرایبی،
شکوفه و گل

تصویر (۱۱) نگاره
«بهشتیان و دوزخیان»
(بخش بهشت)
۸۱۳ ق
(مأخذ: پاکباز، ۹۸)

بخش حاضر از این نگاره (تصویر ۱۱) نشان‌دهنده بهشت است. همان‌طور که مشخص است، بهشتیان همه با حالتی آرام، لبخند بر لب، با رداها یا عمامه‌هایی به‌رنگ روشن، درخت شکوفه‌دار و گل‌های روییده در کنار آب، افرادی با شمشیر در پایین تصویر، افرادی با تاج‌های طلایی در گوشه بالا سمت چپ تصویر و فردی با بال که همانند پرنده است، دیده می‌شوند. رنگ بیشتر زمینه زرد آخرایبی و آبی روشن و مکان تصویر بهشت است. با توجه به داده‌های مذکور بیرونی؛ آرامش و شادی، رنگ روشن لباس، درخت شکوفه‌دار، گل‌ها، طلا، رنگ زرد آخرایبی و پرندگان دانه‌خوار از جمله خصوصیات منتسب به مشتری هستند. در قسمت پایین تصویر، مردان آرامی را می‌بینیم که رداهایی بیشتر به‌رنگ قرمز به تن دارند و شمشیری به کمر؛ طبق داده‌های کتب نجومی، سیاره مریخ همواره با ردایی به‌رنگ سرخ و ادوات جنگی همچون شمشیر به تصویر کشیده می‌شود. طبق داده‌های بیرونی، مریخ از دوستان مشتری محسوب می‌شود؛ پس جایگیری این دو فیگور در یک کادر برحسب تصادف نبوده‌است.



(۴-۱-۴)

مرد خوب‌رو،

رنگ‌های

روشن،

آرامش و

لبخند،

آستین بلند،

تاج و گل

تصویر ۱۲) نگاره
 «بهشتیان»

و دوزخیان»

(بخش دوزخ)

ق ۸۱۳

(مأخذ: پاکباز، ۹۸)

با آنکه این نگاره (تصویر ۱۲) نام دوزخ بر خود دارد، اما همچنان آثار حضور مشتری در آن نمایان است. خصوصياتی همچون آرامش، رنگ روشن زمینه، تاج، آستین‌های بلند دو فیگور پایین سمت راست تصویر - با آنکه باقی فیگورها به‌شدت در ناآرامی به‌سر می‌برند- و حضور گل، تأثیرهای مشتری را نمایان می‌کند. البته باید توجه داشت که با ارجاع به داده‌های بیرونی و متون نجومی، بدبختی و جهنم همه به زحل بازمی‌گردد. زحل (نحس اکبر) قطب مخالف مشتری (سعد اکبر) است و در عین حال، نقش میانجی را برای مشتری بازی می‌کند؛ پس به همین دلیل است که بهشت و دوزخ با وجود تضاد کامل، به‌صورت مرتبط با هم، در کنار هم به تصویر کشیده شده‌اند.



تصویر ۱۳) نگاره «اسکندر به ملاقات حکیمی می‌رود»، ۸۱۱ ق (مأخذ: کنبی، ۵۴)

۴-۱-۵) مرد عالی‌مقام (وزیر یا پادشاه) و خوبرو، تاج طلا، آستین‌های بلند، ردا به‌رنگ روشن، آرامش و حکمت، همراهی مریخ به‌عنوان دوست، درخت شکوفه‌دار، رستنی‌های نیکو، رنگ روشن زمینه

همان‌گونه که از نام نگاره (تصویر ۱۳) برمی‌آید، اسکندر به‌عنوان شخص صاحب منصب، درحالی‌که تاج طلا بر سر دارد و ردایی به‌رنگ آبی و دراز آستین به تن، با حالتی آرام در حال رفتن به ملاقات یک حکیم است. از همراهان او شخصی با لباس قرمز است که شمشیری بر میان دارد. همان‌طور که در نگاره پیشین ذکر شد، این مریخ جنگجوست که مسلح و از دوستان مشتری است و با او دیده می‌شود. رنگ زمینه نگاره کاملاً روشن است، درختی پر از شکوفه در بالای تصویر دیده می‌شود و رستنی‌های نیکو در پایین تصویر. این‌ها همه سخن از باز نمود خصوصیات منتسب به مشتری در این نگاره می‌گویند.



تصویر ۱۴) نگاره «درباریان در کنار جویبار»، ۸۴۳ ق (مأخذ: کنبی، ۶۷)

۴-۱-۶) مرد خوبرو و صاحب منصب، با ردای آستین‌بلند، رنگی روشن پوشیده، همراه با ملازمان، در کنار درختی پر از شکوفه، نشسته در کنار رود، در حالت آرامش، با پس‌زمینه‌ای به‌رنگ زرد آخرای

همان‌گونه که از نام نگاره (تصویر ۱۴) برمی‌آید، این‌ها درباریان هستند که در کنار رودی نقش شده‌اند. پس‌زمینه به‌رنگ زرد آخرایبی با گل‌های فراوان است و درخت پرشکوفه‌ای در سمت چپ تصویر دیده می‌شود. شخصی در مرکز پایین تصویر با ردایی به‌رنگ شاد و عمامه‌ای روشن درحالی‌که آستین‌های درازی دارد و با آرامش به سویی خیره شده، دیده می‌شود. او با ملازمانی که اطراف او هستند، احاطه شده است. با توجه به داده‌های بیرونی، این‌ها همه نشانگر خصوصیات منتسب به‌مشتری هستند که به‌صورت غیرمستقیم در نگاره خودنمایی می‌کنند.



۴-۱-۷)

مرد عالی‌مقام و
خوب‌رو، آستین‌های
بسیار بلند، تاج، زاهد،
زمینه روشن، زیرردای
روشن، درختی در
کنار، آرام و به‌حالت
نشسته

تصویر ۱۵) نگاره
«اسکندر و زاهد»
قرن ۹ ق
(مأخذ: کنبی، ۷۰)

نام اثر «اسکندر و زاهد» است (تصویر ۱۵). اسکندر به‌عنوان فرد صاحب منصب و عالی‌مقام با آستین‌هایی بسیار بلند و تاجی بر سر و لباس زیر ردایی به‌رنگ روشن، به‌حالت آرام، نشسته و در حال گوش فرادادن به زاهد به تصویر کشیده شده‌است. از طرفی درختی، در سمت چپ تصویر دیده می‌شود و رنگ تصویر به‌طور کلی روشن است. زاهدان از جمله منتسبان به مشتری هستند و زاهدی در کنار اسکندر عالی‌مقام دیده می‌شود. این‌ها همه نشان‌دهنده خصوصیات منتسب به مشتری به‌صورت غیرمستقیم در یک نگاره هستند که به‌طور کلی ساختاری هماهنگ و مرتبط تشکیل داده‌اند.

۴-۱-۸) حکیمانِ مرد، نشسته، لباس‌هایی به‌رنگ شاد و روشن، درختان شکوفه‌دار، رستنی‌های سبز، گل،
زمینه روشن‌رنگ، منزل فاخر، آرامش و صحبت

نام اثر مورد بحث «اسکندر و حکمای هفت‌گانه» است (تصویر ۱۶). اسکندر به‌عنوان شخصی صاحب منصب در جایگاهی نرم و بالاتر از دیگران، با ردایی آستین‌بلند و به‌رنگ روشن، در آرامش، در حال صحبت با هفت حکیم است که آن‌ها نیز نشسته‌اند و لباس‌های روشن‌رنگ و درازآستینی به تن دارند؛ در منزلی زیبا که درختان شکوفه‌دار و گیاهان و گل در آن دیده می‌شوند. در پایین تصویر، شخصی نیز با لباس سرخ‌رنگ به تن

و شمشیری در میان - که نشان از مریخ دارد- به چشم می‌خورد. همه این خصوصیات به صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده ویژگی‌های مشتری هستند.



تصویر ۱۶
نگاره
«اسکندر و
حکمای هفت‌گانه»
قرن ۹ ق
(مأخذ: کنبی، ۷۵)

۵) خصوصیات منتسب به مشتری در اشعار فارسی^{۱۷}

نظرهای او یک به یک سودمند
(نظامی؛ خمسه، شرفنامه، بخش ۶۳- در ستایش اتابک نصرالدین)

چو سیاره مشتری، سربلند

آمد به دلو در طلب تخت مشتری
آمد که آمد آن فلکِ مُلکِ پروری
(خاقانی؛ دیوان/شعار، قطعات، شماره ۳۲۸- در مدح عزالدین امیر یوسف سپهسالار)

یوسف سپهر چهارم ز چاه دی
سیاره‌ای ز کوبه یوسف عراق

همه جای شادی و آرام و مهر
(فردوسی؛ شاهنامه، ضحاک، بخش ۹)

فروزنده چون مشتری بر سپهر

فروزنده چون بر فلک، مشتری
(فردوسی؛ شاهنامه، منوچهر، بخش ۱۲)

یکی جفت پرمایه انگشتری

چو بر تارک مشتری، افسر است
به هر کار، پیروز و چیره‌سخن
بود اندر او مشتری را گذار
از او دور چشم بد و بی‌نیاز
(فردوسی؛ شاهنامه، اندر ستایش سلطان محمود)

که شاه از گمان و توان برتر است
از او شادمانه دل انجمن
همی تا بگردد فلک چرخ‌وار
شهنشاه ما باد با جاه و ناز

(۱۷) تمامی اشعار این بخش از وبگاه «گنجور» به نشانی ganjoor.net جمع‌آوری شده‌است.

سپهدار چین با فرستاده گفت
چو روشن شود نامه، پاسخ کنیم
که با شاه تو مشتری باد جفت
به دیدار تو، روز فرخ کنیم
(فردوسی؛ شاهنامه، پادشاهی اسکندر، بخش ۳۹)

بیاراسته طوق یوز از گهر
بیامد شهنشاه زین سان به دشت
بدو اندر افگنده زنجیر زر
همی تاجش از مشتری برگذشت
(فردوسی؛ شاهنامه، پادشاهی بهرام گور، بخش ۱۲)

مجوی آنکه چون مشتری روشن است
جهان بستد از مردم بت پرست
جهانجوی و باتیغ و باجوشن است
ز دیبای دین، بر دل آیین^{۱۸} بیست
گنو لاجرم جود موجود گشت
چو شاه جهان شاه محمود گشت
(فردوسی؛ شاهنامه، پادشاهی کسری نوشین روان چهل و هشت سال بود، بخش ۱۰- نامه کسری به هرمزد)

فلک چو جلوه کنان بنگرد سمند تو را
ملالتی که کشیدی، سعادتی دهدت
کمینه پایگهش اوج کهکشانش گیرد
که مشتری نسق کار خود از آن گیرد
از امتحان تو، ایام را غرض آن است
که از صفای ریاضت، دلت نشان گیرد
(حافظ؛ دیوان/شعار، قصاید، قصیده در مدح شاه شیخ ابواسحاق)

به آهوان نظر، شیر آفتاب بگیر
به ابروان دوتا، قوس مشتری بشکن
(حافظ؛ دیوان/شعار، غزلیات، غزل شماره ۳۹۹)

گوهر نو به گوهری، بُرد سبق ز مشتری
جان و جهان همی بری، جان و جهان چرا چرا
(مولوی؛ دیوان شمس، غزلیات، غزل شماره ۵۰)

با تطبیق اشعار منتخب مذکور و خصوصیات منتسب به مشتری بر اساس داده‌های بیرونی، درمی‌یابیم که سنت اعتقادی مبتنی بر سعد بودن، شادی، آرامش، گوهر، طلا، صاحب منصب بودن، قوس، دارای تخت، ریاضت، جهانجویی و... علاوه بر نگاره‌های ایرانی اسلامی، در اشعار فارسی نیز در حال رخ‌نمایی است.

۶ نتیجه‌گیری

فرهنگ ایرانی به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ‌های باستانی، در بردارنده ساختارهای اعتقادی تکرارشونده‌ای است که در گذر زمان، با شدت و ضعف اما به‌صورت مستدام، خود را در حافظه خودآگاه یا نیمه‌خودآگاه فرهنگ‌گوران ایرانی حفظ کرده‌اند. اعتقادات نجومی از آن دسته اعتقادات ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی است که همواره نقش مهمی در نوع رویکرد ایرانیان نسبت به زندگی و آنچه که در زمین و زندگی زمینشان می‌گذرد، ایفا می‌کند. اعتقاد ایرانیان به تنجیم - تأثیر مستقیم سیارات و ستارگان عالم اولی بر سرنوشت و زندگی زمین و زمینیان عالم سفلی - آنچنان رخنه در نوع دید ایرانیان کرده که تأثیرهای ظاهری و کلامی آن در راه‌های انتقال فرهنگ همچون نگارگری و شعر، گاه به‌وضوح و گاه به‌صورت غیرمستقیم، قابل تشخیص است؛ مشتری

۱۸ در چند نسخه معتبر: «آدین» یا «آذین».

و اعتقادات مرتبط با آن نیز از این قضیه مستثنی نبوده‌است. بر طبق داده‌های بیرونی؛ سعد بودن، خوشی، روشنی، بزرگ‌مقامی و به‌طور کلی تمامی خوبی‌ها و بلندمقامی‌ها و سعادت‌ها و خیرهای بر روی زمین، همه منشعب از مشتری بوده‌اند که جلوه‌شان در نگارگری ایرانی اسلامی و شعر فارسی همچنان قابل پیگیری است. در این میان، توجه به این نکته ضروری می‌نماید که گاه این ساختارهای تکرارشونده با گذشت زمان دچار تغییر و تحولاتی شده‌اند، اما تحقیق در باب حضور بخش اصلی درون‌مایه آن‌ها از ضرورتی خاص برخوردار است؛ چراکه نشان می‌دهد این ساختارها تنها برحسب تصادف پدید نیامده و قاعده‌ای مشخص در پس آن وجود دارد.

منابع و مأخذ

کتاب فارسی:

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله؛ *قانون در طب*، ترجمه لطیف راشدی، تهران: ارمغان طبوبی، چ. چهارم، ۱۳۹۲.
- اصفهانی، عبدالحسن؛ *البلهان*، نسخه خطی، مؤسسه واربورگ دانشگاه لندن، قرن ۱۴-۱۵ ق.
- بندهشن، گردآوری فرنیخ دادگی، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۶۹.
- بلخی، ابومعشر؛ *الموالید*، نسخه خطی، وبگاه «گالیکا»، ۲۶۴ ق.
- بیرونی، ابوریحان؛ *احکام نجوم در بیان کواکب و برج‌ها*، ترجمه جلال‌الدین همایی، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۱۶.
- بیرونی، ابوریحان؛ *التفهیم*، ترجمه جلال‌الدین همایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
- بیرونی، ابوریحان؛ *آثار الباقیه عن القرون الخالیة*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- پاکباز، رویین؛ *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین، ۱۳۸۰.
- سودی، محمد بن امیر حسن؛ *مطالع السعادة وینایع السیادة*، نسخه خطی، وبگاه «گالیکا»، ۳۳۹ ق.
- شمس‌الدین، سیده شبنم، *آیکون‌نگاری سیاره زحل در نگارگری ایرانی*، (پایان‌نامه چاپ‌شده کارشناسی ارشد)، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۹۴.
- شمیسا، سیروس؛ *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین، ۱۳۸۳.
- شمیل، آنه ماری؛ *راز اعداد*، چ. دهم، ترجمه فاطمه توفیقی، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۱.
- صرامی، عارفه؛ *شمس‌الدین، سیده شبنم؛ تأویل و تفسیر نگاره‌های ایرانی - اسلامی بر پایه نجوم*، تهران: انسان‌شناسی، ۱۳۹۷.
- صوفی رازی، عبدالرحمن؛ *صور الكواکب*، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، بهروز مشیری، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
- کنبی، شیلا؛ *نگارگری ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
- گری، بازل؛ *نقاشی ایرانی*، ترجمه عربعلی شروه، تهران: دنیای نو، ۱۳۸۵.
- گرمال، پیر؛ *اسطوره‌های بابل ایران باستان*، ترجمه ایرج علی‌آبادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- گیاهی یزدی، حمیدرضا؛ *تاریخ نجوم در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۸.



- ماهیار، عباس؛ نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۳.
- محمدپور، احمد؛ روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل؛ کشف الاسرار و عدة الابرار، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.
- ناس، جان ب.؛ تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: پیروز، چ. سوم، ۱۳۵۴.
- نالینو، کارلو آلفونسو؛ تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۴۹.
- نیکخواه، مظاهره؛ «بررسی نظر سیارات به یکدیگر در شعر نظامی گنجوی (قران، مقابله، تربیع، تثلیث، و تسدیس)»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۵، صص ۱۲۲-۱۳۸.
- وان‌دروردن، بارتل؛ پیدایش دانش نجوم، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ورمازن، مارتین؛ آیین میتر، چ. هشتم، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: چشمه، ۱۳۹۰.
- ویدنگرن، گئو؛ خرقة درویشان و دلوق صوفیان در: پژوهشی در خرقة درویشان و دلوق صوفیان، ترجمه بهار مختاریان، تهران: آگه، ۱۳۹۳.
- هینلز، جان؛ شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه، ۱۳۹۱.
- یشت‌ها، ج. ۱ و ۲، به گزارش ابراهیم پورداود، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.

کتاب انگلیسی:

- Barton, T.; *Ancient Astrology*, London: Routledge, 1994.
- Evans, J.; *The History and Practice of Ancient Astronomy*, Oxford/ N. Y.: Oxford University Press, 1998.
- Hartner, W.; "Old Iranian Calendars" in the *Cambridge History of Iran*, vol. 2, By I. Gershevitch, Cambridge: Cambridge University Press, 1985.
- Panaino, A. & Pingree, D., «Saturn, the Lord of the Seventh Millennium. East and West», 46 ,3-4, 1996, 35- 250.
- Panofsky, E., *Studies in Iconology: Humanities Themes in the Art of the Renaissance*, Oxford: Westview Press, 1939.
- Pingree, D., *From Astral Omens to Astrology: From Babylon to Bikaner*, Vol. LXXVIII, Roma: Is. I. A. O., 1997.

اینترنت:

- مدخل «astrology»، دانشنامه بریتانیکا به نشانی britannica.com/topic/astrology ؛ دسترسی در بهمن ۱۳۹۳.
- وبگاه انتشارات موزه متروپولیتن نیویورک «MET» به نشانی metmuseum.org/art/metpublications ؛ دسترسی در بهمن ۱۳۹۳ و آبان ۱۳۹۶.
- وبگاه «گالیکا» به نشانی gallica.bnf.fr.
- وبگاه «گنجور» به نشانی ganjoor.net ؛ دسترسی در ۱۳۹۶/۸/۲۸.